«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي»

جلسه قبل وقت تمام شد و مطلب ماند. اصل عرض من در این بود که شاید بتوانیم هوش قوی را تقسیمی علمی کنیم که آثار فقهی دارد: یکی هوش اشراقمحور بود که گویا از بیرون بدن و مزاج، بر او وارد میشود؛ این هوش نیاز به انسان و کسی دارد که محوریت در او روح است. اما یک هوشی هم هست که پایهمحور است، یعنی بستری که خداوند متعال برای اشراق روح از عالم دیگر قرار داده، آن بستر، بستر غامض و پیچیدهای هست. این اصل عرض من بود.

لذا در ادله -روایات و آیات- بهوضوح میتوان اینها را دید. پیشنهاد میکنم که آنها را دو دسته کنید و جمعآوری کنید. من هم برخی از آنها را سریع عرض میکنم.

یک دسته روایات و آیاتی است که بهوضوح میگویند روح بشر و جوهره وجودی او این بدن نیست و بیرون از این بدن است؛ حال به هر تقریر فلسفهای که باشد، خالصه، حالش حال بیرون بودن از این بدن است. این ادله، زیاد هم هستند.

دسته دوم، ادلهای است که رابطه بین این روح مقدس قدسی با این بدنی که میتواند آن را به ظهور بیاورد، تبیین میکنند. این روایات و آیات دستههای متعددی است.

مثلاً در جلسه قبل عرض کردم، «وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»[1]؛ یا اینکه خداوند متعال برای روح و خلقت آدم به ملائکه میفرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ»[2]. «نفخت فیه من روحی» گام دوم است، قبلش میفرماید «فاذا سوّیته»؛ در این فضا «سوّیته» به چه معنا است؟ خود «تسویه» در آیات شریفه کاربردهای زیادی دارد. مثل «ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ»[3]. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي»؛ یعنی خداوند متعال روی حکمت ِخلقت ِخودش، بستری تسویه شده را فراهم کرده؛ آن هم با چه غموضی. علوم شناختی در ابتدای راه هستند، ببینید تا کی طول میکشد که بتوانند ادعا کنند ما از همه کوچه و پس کوچههای این «سوّیته» خبر داریم. و الا الآن هر چه دهن باز کنیم میگویند هنوز نمیدانیم. وقتی بپرسیم چرا اینطور است؟ میگویند نمیدانیم؛ ناشناخته هستند.

یادم میآید دکتری بود که جراح مغز و اعصاب بود؛ آن آقا از او پرسید: شما که در مغز تخصص دارید، عشق، کجای مغز است؟ گفت واقعش هنوز بشر نمیداند. ساده‌ترین سؤالات را میگویند نمیدانیم. خُب حال تا یک وقتی بیاید و بگویند پیدا کردیم، تازه آن وقت، بحث ما شروع میشود که آن چه که شما پیدا کردهاید چیست؟ چه چیزی از آن بر میآید؟ این پایان راه است؟ یا تازه اگر خیلی زحمت بکشید مثل آن رادیو میشود؟ یعنی به جایی میرسید که باید آن آنتن را ببینید و اصل کار، بیرون است. فرمودند «سوّیته»؛ من اینطور بستری را فراهم کردم. این در آیات شریفه زیاد است، در روایات هم مفصل است؛ خیلی مفصل است.

[1] الاسراء ۸۵

[2] ص ۷۲

[3] الاعلی ۲

بازبینی #3
ایجاد شده 27 مارس 2024 20:20:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 15:54:06 توسط ... .